

**گفت و گوی «جوان» با سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز**

# چاره‌کولبری جذب کولبران به شهرک‌های صنعتی است

**دهقانی‌نیا: با تزریق نقدینگی و تأمین فرصت شغلی، به مرور زمان این افرادی را که به عنوان کولبر فعالیت می‌کنند، جذب محیط کاری جدید می‌کنیم که ممکن است یکی از مصداق‌های آن شهرک‌های صنعتی در ایلام، کردستان و کرمانشاه باشد و این طرح در یک بازه زمانی سه ساله و پنج ساله موضوع کولبری را ان‌شاءالله مرتفع می‌کند**

وقتی باهم هماهنگ شوند و به این منظومه کلان سامانه مبارزه با قاچاق کالا و ارز ببینوند ما می‌توانیم بگوییم قدم بسیار بزرگ و مؤثری برداشته‌ایم.

یک زمانی به ما می‌گفتند سامانه‌های مقابله با قاچاق انجام نشده‌است،ولی الان به ضرس قاطع عرض می‌کنیم که سامانه‌های حوزه مقابله با قاچاق کالا و ارز نزدیک به ۷۰ درصد پیشرفت عملیاتی و اجرایی دارد و حتی در حوزه تبال کار می‌کند، این موضوع به لحظه قابل رصد است نه به دقیقه یا به ساعت البته اگر سامانه‌های مقابله با قاچاق تکمیل شود مقوله قاچاق محو نمی‌شود و این تصور غلط است.

در شرایطی که ما سامانه عملیاتی نشده دیگری نداریم و نیازمند این هستیم که سامانه‌های قوانین دیگر نیز خودشان را به ما برسانند. مسئله بعدی این است که بعضی از کالاها در حوزه مقابله با قاچاق و پیشگیری از قاچاق هستند که حتی به واسطه سامانه‌ای و شفاف شدن روند هم جلوی خرید و فروش نامیوسون آنها را نمی‌توانید بگیرد؛ شما یکسری کالاها دارید که به‌اسم خارجی تولید و فروخته می‌شوند. مردم ما هم این کالا را خریداری می‌کنند،ولی برای آنها‌استعلام‌اصالت‌اهمیتی ندارد، مثلاً من پوشاک‌ی را می‌خرم که ممکن است کنار گوش من در یک شهرک صنعتی تولید شده باشند و کالا واقعاً قاچاق نیست، برند آن هم یک برند خارجی تقلبی است که به اسسم جنس خارجی فروخته می‌شود. ما تمای کالاهایی که باید به‌اسم جنس خارجی وارد شوند، شناسه‌دار کردیم، واردات پوشاک خارجی هم ممنوع شده‌است، ولی مردم ما برایشان صرفه ندارد که بیایند استعمال‌صحت‌ان کالا را بگیرند و صرفاًدر حوزه تحقیق، محقق، اجرا یا این زیرساخت در سطح عرضه ایجاد شده که حالا بازرس مراجعه کرد بتواند وظیفه خود را محقق کند؟ همین الان در گوشی همراه خود سامانه جامع تجارت را بزیندیلپیکشن آن رانصص کنید، شناسه کالا را می‌زنید در حوزه لوازم خانگی، دخانیات، پوشاک، رغن‌های مراقبه با تأمین‌مالی قاچاق‌ستاد باید کار می‌کرده حتی در ریزکاری‌های هم برنام‌ریزی کرده‌است، زیرساخت و سامانه را ایجاد کرده‌است، بانک مرکزی نیز پیگیری کرده است که باید ۷/۲۶/۱۰/۱۴۰۱ این کار را انجام می‌دادی و گزارش آن را هم خدمت‌دستگاه‌ها ارسال کرده و یک جلسه هماهنگی هم گذاشته است. ان‌شاءالله دوستان هم هر چند با کندی ولی شروع به انجام دادن این کار کرده‌اند. براساس قانون جدید که شته، براساس وظایف ابلاغی که با همکاری دستگاه‌ها منظور تشخیص ایرانی یا خارجی بودن کالای مشکوفه استخراج می‌کردیم که با همکاری دستگاه‌استخراج شد، از سمت رئیس محترم جمهور ارانه، مصوب و ابلاغ شد. می‌خواهم عرض کنم که زیرساخت‌های قانونی، زیرساخت‌های فنی و سامانه‌ای دیگر مناسبق نیست، همه مهیاست، الان در حال مطالعه از دستگاه‌های عضو به ۱۰ دستگاه کاشف ماده ۲۴ قانون و هم سه دستگاه ضابط هستیم، این زیرساخت‌ها ایجاد شده، دستورالعمل‌ها هم شفاف، تهیه،مصوب و ابلاغ شده‌است، من دیگر بهانه‌ای برای انجام‌ندان کار ندارم.

**این سامانه‌ها چه زمانی به معنای واقعی کلمه عملیاتی می‌خواهند شد و در آن زمان طبیعتاً مفروض این است که در آن زمان طبیعتاً قاچاق در کشور تمام نمی‌شود، ولی چه زمانی میزان قاچاق قابل قبول می‌شود یا به حد نرم جهانی می‌رسد؟**

ما اکنون سامانه عملیاتی نشده‌ای نداریم، سامانه جامع تجارت دارد کار می‌کند، ارتباط آن با گمرک برقرار شده، این تبادل اطلاعات بیش از دو ماه‌است که اتفاق افتاده و هم چیزی که من عرض می‌کنم واقعیت بود، برپنده داره، مستندات دارد و می‌رود برای رسیدگی ولی برآورد حجم قاچاق بر اساس یکی از روش‌های علمی موجود شکاف بین عرضه و تقاضا را محاسبه کرده‌اند. برآوردی که ما داریم برآورد به نظر می‌کنیم، متأسفانه به روز نیست و به‌روز شده آن چند ماه پیش انجام شده و خدمت وار تعریف شده‌اند و مشخص هستند،ولی برخی از آنها در قانون مبارزه باقاچاق کالا واززم نیستند، حتی شاید ستاد در این حوزه وظیفه نظارت و هماهنگی می‌ندارد، مثل سامانه مودیان یا سامانه پایانه‌های فروشگاهی اگر ما کالاها را شناسه‌دار کردیم و من مزاحم یک فروشنده بزر گواری برای خرید یک کالایی شدم، مگر نباید این کالا قابل رصد باشد؟ اگر زیرساخت سمت ما آماده است، سمت دوستان هم باید آماده باشد و این سامانه مودیان، سامانه‌های فروشگاهی و دیگر سامانه‌ها در این حوزه



که در انداخته شود برای اینکه این موضوع را حل کند و این هزینه فایده را به شکل ایجاد یک سیستم‌الکترونیکی در نظر بگیرد.

ما در ابتدای دولت هم با یکسری از طرح‌ها مواجه شدیم که مثلاً بازار گانه‌ایی برای فروش این سوخت به وجود می‌آید یا پیمانکار خودم به قرار داد می‌سهم، هر لیتر را باید با مثلاً دولت این سوخت را بخرد و به یک قیمت دیگری به خود اینها بفروشد، طرح‌های متفاوتی روی مجاور از طریق دریا، ۱۰ دقیقه باشد یا ۲۰ دقیقه‌ای به می‌توان طرف مرز برسد و این هزار و ۵۰ تومان را ۳۰ هزار تومان بفروشد، شاید سود در این پیمانکاری که من به آن اطمینان دارم، در این باشد که هزار و ۵۰ تومان را از من بگیرد و ۳۰ هزار تومان بفروشد و پروژه من را هم به نحوی تأمین کند کارش را انجام دهد.

حالا سراغ یک مقوله دیگر می‌روم، ممکن است من به صید خودم سوخت به قیمت ۳ هزار تومان یا ۳۰۰ تومان ماهی می‌آورم، ولی برای صیادی به آب می‌روم و برمی‌گردد و برای خودش به شکل خیلی خام مثلاً ۲۰ کیلو صید ماهی می‌آورد، ولی شما اگر بخواهید این صیدها را شناسه گذاری کنید، می‌بینید یک صید است که فقط می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که مقابله با قاچاق سوخت هر روش آن راه‌حل جدایی نیست، ممکن است سهیل‌الوصول‌ترین روش حل مسئله افزایش قیمت فرآورده باشد ولی به نظر من مناسب‌ترین گزینه قطعاً نیست، اجرای راه‌حل‌های متفاوت چون با زندگی مخاطبین ما درگیر می‌شود باید بسیار دقیق و سنجیده باشد، من یک مثال در پروژه‌های ملی زدم و یک مثال هم در مورد بزرگوارانی که برای قوت روزانه خود تلاش می‌کنند، ببینید چقدر سطح کار باهم متفاوت است.

بله پایین‌بودن قیمت‌این فرآورده در مقایسه با کشورهای همجوار منجر می‌شود که شاید با ۳۰ دقیقه با یک ساعت قاچقرانی، با یک عبور از مرز خشکی تا مرز همجوار، ۲۰ دقیقه موتورسواری، یک ساعت رانند زامیاد یا نسانس آبی به ۱۰ برابر سود برسد، ولی عرض من این است که راه‌حل‌های این مسئله با موضوع کولبری، براساس حوزه جغرافیایی خودش و همبمنظور کسانی که در آن حوزه زندگی می‌کنند، خیلی متفاوت است. ولی آن فردی که در تهران نرسسته هم پیش خود فکر می‌کند میبلغی از بول بیت‌المال که فراد بود صادرات شود مثلاً بزین شده و در زیرساخت‌های شهری هزینه شود و آن متر و تکمیل شود یا اتوبوس درون شهری تأمین شود، الان دارد به شکلی قاچاق می‌شود و کاری هم انجام نمی‌شود.

حاکمیت می‌گوید من باید ببینم به چه بهایی امنیت این منطقه را با خدشه روبه‌رو کنم، چون ممکن است سوخت‌رسانی محترم قواشود، من این کار را انجام دهم و ممکن است برود در خفا این کار را انجام دهد؛ خب یکسری از طرح‌هایم در گذشته و هم در حال حاضر انجام شده، من می‌گویم که تأمین امنیت جغرافیایی یک بها و تأمین مالی آن خانواده هر بهایی دیگر دارد. ممکن است من در مرکز کشور بنشینم و همین فرمایش شما را داشته باشم که اگر این سوخت قاچاق نشده صادرات شود و ارز حاصل از صادرات بازرگردد قاعدتاً موجب پیشرفت کشور می‌شود، ولی تأؤلّم را از دید آن بنده خدای در مرز نشسته بهم برسم که چه مقدار از این سوخت در سمت من سررمایه‌گذاری شده و می‌شود؟ بعد اینکه من هم سهمی دارم و شاید اتفاقاً در محل زندگی من دارد برخی از استخراج‌ها هم انجام می‌شود، آیا به میزان استخراج در این محل سرمایه‌گذاری برای ایجاد فرصت‌های شغلی باید انجام شده‌است. برای همین است که این سؤال را حاکمیت می‌رسد که به چه بهایی، واقعیت‌مطلب این است که این هزینه را آمد، یک راه‌حل ساده نداره، هر چند سهیل‌الوصول‌ترین راه‌حل ممکن است افزایش قیمت فرآورده باشد، ولی دقیق‌ترین نیست.

**قبلا این روش را تجربه کردیم، آیا برای حاکمیت خیلی هزینه داشت؟**

بله باز تجربه‌ای که در دو سه سال گذشته ساخته شد، هزینه داشت؛ شاید طرحی نو در نظر دولت بود و هست



**گفت و گو**

**سجاد آذری**



سیاستگذاری‌های کلان و دقیق تر باشد، ممکن است من به عنوان حاکمیت و در قالب دولت یکسری طرح‌های استخراج فرآورده‌های نفتسی و گازی انجام دهم که وقتی با پیمانکار خودم به قرار داد می‌سهم، هر لیتر را باید با پیمانکار دولت این سوخت را بخرد و به یک قیمت دیگری به خود اینها بفروشد، طرح‌های متفاوتی روی مجاور از طریق دریا، ۱۰ دقیقه باشد یا ۲۰ دقیقه‌ای به می‌توان طرف مرز برسد و این هزار و ۵۰ تومان را ۳۰ هزار تومان بفروشد، شاید سود در این پیمانکاری که من به آن اطمینان دارم، در این باشد که هزار و ۵۰ تومان را از من بگیرد و ۳۰ هزار تومان بفروشد و پروژه من را هم به نحوی تأمین کند کارش را انجام دهد.

حالا سراغ یک مقوله دیگر می‌روم، ممکن است من به صید خودم سوخت به قیمت ۳ هزار تومان یا ۳۰۰ تومان ماهی می‌آورم، ولی برای صیادی به آب می‌روم و برمی‌گردد و برای خودش به شکل خیلی خام مثلاً ۲۰ کیلو صید ماهی می‌آورد، ولی شما اگر بخواهید این صیدها را شناسه گذاری کنید، می‌بینید یک صید است که فقط می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که مقابله با قاچاق سوخت هر روش آن راه‌حل جدایی نیست، ممکن است سهیل‌الوصول‌ترین روش حل مسئله افزایش قیمت فرآورده باشد ولی به نظر من مناسب‌ترین گزینه قطعاً نیست، اجرای راه‌حل‌های متفاوت چون با زندگی مخاطبین ما درگیر می‌شود باید بسیار دقیق و سنجیده باشد، من یک مثال در پروژه‌های ملی زدم و یک مثال هم در مورد بزرگوارانی که برای قوت روزانه خود تلاش می‌کنند، ببینید چقدر سطح کار باهم متفاوت است.

بله پایین‌بودن قیمت‌این فرآورده در مقایسه با کشورهای همجوار منجر می‌شود که شاید با ۳۰ دقیقه با یک ساعت قاچقرانی، با یک عبور از مرز خشکی تا مرز همجوار، ۲۰ دقیقه موتورسواری، یک ساعت رانند زامیاد یا نسانس آبی به ۱۰ برابر سود برسد، ولی عرض من این است که راه‌حل‌های این مسئله با موضوع کولبری، براساس حوزه جغرافیایی خودش و همبمنظور کسانی که در آن حوزه زندگی می‌کنند، خیلی متفاوت است. ولی آن فردی که در تهران نرسسته هم پیش خود فکر می‌کند میبلغی از بول بیت‌المال که فراد بود صادرات شود مثلاً بزین شده و در زیرساخت‌های شهری هزینه شود و آن متر و تکمیل شود یا اتوبوس درون شهری تأمین شود، الان دارد به شکلی قاچاق می‌شود و کاری هم انجام نمی‌شود.

حاکمیت می‌گوید من باید ببینم به چه بهایی امنیت این منطقه را با خدشه روبه‌رو کنم، چون ممکن است سوخت‌رسانی محترم قواشود، من این کار را انجام دهم و ممکن است برود در خفا این کار را انجام دهد؛ خب یکسری از طرح‌هایم در گذشته و هم در حال حاضر انجام شده، من می‌گویم که تأمین امنیت جغرافیایی یک بها و تأمین مالی آن خانواده هر بهایی دیگر دارد. ممکن است من در مرکز کشور بنشینم و همین فرمایش شما را داشته باشم که اگر این سوخت قاچاق نشده صادرات شود و ارز حاصل از صادرات بازرگردد قاعدتاً موجب پیشرفت کشور می‌شود، ولی تأمین را از دید آن بنده خدای در مرز نشسته بهم برسم که چه مقدار از این سوخت در سمت من سررمایه‌گذاری شده و می‌شود؟ بعد اینکه من هم سهمی دارم و شاید اتفاقاً در محل زندگی من دارد برخی از استخراج‌ها هم انجام می‌شود، آیا به میزان استخراج در این محل سرمایه‌گذاری برای ایجاد فرصت‌های شغلی باید انجام شده‌است. برای همین است که این سؤال را حاکمیت می‌رسد که به چه بهایی، واقعیت‌مطلب این است که این هزینه را آمد، یک راه‌حل ساده نداره، هر چند سهیل‌الوصول‌ترین راه‌حل ممکن است افزایش قیمت فرآورده باشد، ولی دقیق‌ترین نیست.

**قبلا این روش را تجربه کردیم، آیا برای حاکمیت خیلی هزینه داشت؟**

بله باز تجربه‌ای که در دو سه سال گذشته ساخته شد، هزینه داشت؛ شاید طرحی نو در نظر دولت بود و هست

قاچاق، زخمی کهنه بر پیکر تولید داخلی ایران

است که در جامعه به شکل دردی التیام‌ناپذیر مورد پذیرش قرار گرفته و همین مسئله برای موجب شده تا وعده‌های دولت‌های مختلف برای درمان این زخم نیز جدی گرفته نشود. حال در شرایطی که در دولت قبل به نوعی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به فراموشی سپرده شده‌بود و در دولت جدید نیز با وجود برگزاری چند وقت یکبار جلسات این ستاد با حضور رئیس‌جمهور، هنوز به تکلیف قانونی برگزاری جلسه هر دو ماه یکبار عمل نمی‌شود و از طرف دیگر وضعیت سرپرست این ستاد که از دولت قبل مشغول به کار است، در‌هاله‌ای از ابهام قرار دارد. نمی‌توان دورنمایی از مبارزه قاطع با موضوع قاچاق قابل تصور بود. با وجود همه اینها، حمیدرضا دهقانی‌نیا، سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مدیر کل نظارت بر سامانه‌های الکترونیکی و هوشمندن مقابله با قاچاق کالا و ارز در گفت و گویی تفصیلی با «جوان» که بخش اول آن در ۱۵ آبان ماه استعالم منتشر شد و بخش دوم آن در ادامه می‌آید، قائل بر این است که اقدامات بسیاری در این ستاد انجام شده یا در حال انجام است. ■ ■ ■

**آیا این امکان وجود دارد تهدید کولبر یا سوخت‌بری را که الان جنس قاچاق وارد کشور می‌کند یا از کشور صادر می‌کند، به نوعی تبدیل به فرصت کنیم؟**

صادقانه پاسخ بدهم بله، شاید بیشتر از این هم فکر کردیم حتی برای آن راهکار استخراج کردیم و برای عملیاتی شدن راهکار حتی سراغ بنیادهایی در حاکمیت رفتم که در برخی از موارد دست یاری ما را به گرمی فشرده‌اند.

**ولی به نظر می‌رسد هنوز جذابیت لازم برای آن کولبر ایجاد نشده‌است.**

با صرف ایجاد یک فرصت شغلی می‌توانیم مقوله کولبری را کلاً تمام می‌کنیم؟ فرض را بر این می‌گیریم که می‌خواهیم کلاً کولبری را از نگاه شما سود دهیم و کنیم و از نگاه بنده چون کولبری در شان مردم نیست، آن تمام کنیم، حال آیا رسیدن به آن هدف در قالب این پارادایم اقدامی صورت پذیرفته‌است؟ علاوه بر اقدام پیگیری‌هایی که منتهج به نتیجه‌شود نیز مکرر انجام شده‌است، ولی برخی از موارد انجام یکسری از امور در حوزه اختیارات ستاد از این باب نیست که دستگاهی که باید به تکمیل اقدام صورت پذیرد پیوسته و علاوه حتی عضو دستگاه‌های دولت هم نیستند. انجام کارهای بزرگ نشدنی نیست، ولی باور و کارایی اداری و ضوابطی که در حاکمیت برای همدیگر یا برای دستگاه‌های اجرایی در نظر گرفته‌اند، تقریباً نشدنی شده‌است.

تصور کنید می‌خواهیم کلاً موضوع کولبری را به لطف خداوند حل و فصل کنیم، یک نگاه ساده این است که بگوییم ما برای کولبران یک مقرری در نظر می‌گیریم، مثلاً در یکسری موارد ۳۰۰ هزار خانوار و ۱۰ هزار کولبر دارم، برای ۱۰ هزار کولبر ممکن است مقرری ماهانه ۵ میلیون تومان در نظر بگیرم، این ۶ میلیون تومان در ماه ۶۰ میلیارد تومان می‌شود، من به شما تضمین می‌دهم که برای ایجاد فرصت‌های شغلی صحبت کردم و کنیم که کولبری کلان‌دانشه‌باشیم، حال در اجرا به منابع قانونی بابت تأمین نشدن این بودجه مالی می‌رسم.

با برخی از بنیادهایی که در این زمینه تجربه داشتند، حتی برای ایجاد فرصت‌های شغلی تأمین کنید می‌توانیم کاری طرح‌های خوبی هم آوردند که مورد پذیرش‌مان قرار گرفت، جلساتی هم با دستگاه‌های دیگر گذاشتیم، ولی صرفه‌نا در گام اول و دوم ولی در گام‌های سوم و چهارم بابت عملیاتی کردن و تأمین مالی به مشکل خوردیم. می‌خواهم عرض کنم مشکل شاید نداشتن این نقدینگی هم نبود مشکل تأمین نقدینگی از مسیر قانونی بود.

**نمی‌توانید به شکل لایحه و مانند آن مشکل قانونی را حل کنید؟**

رئیس‌جمهور همان اوایل استقرار، دستورالعمل ۹ ماده‌ای دادند که ماده یک تا سه آن همین بحث کولبری بود و این بحث پیگیری شد، کار به جایی رسید که نیازمند کسب امضای رؤسای محترم قواشود، من در ابتدای مطلب شیب عزیزان به عنوان رؤسای محترم قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی با یکسری اینها تم در اجرای طرح مواجه شدند، مکرر خدمت بزرگواران در مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه رسیدیم و توضیحاتی ارائه شد و نهایتاً نظر مساعدی از سوی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی کسب شد؛ تلاشی که خود آیت‌الله رئیسی در این حوزه داشتند هم برای هدایت و هم برای نیل به هدف واقعاً قابل تقدیر و مؤثر بود، ولی نهایتاً در خصوص به اجماع رسیدن یا دوستان در قوه قضائیه به نتیجه‌غایی نرسیدیم، الان شاید منتهج به این مسیر شده که به سمت لایحه برویم.

**در قبال پرداخت ماهانه ۶۰ میلیارد تومان چه چیزی به دست می‌آوریم؟**

در طرح بیان می‌کند با تزریق نقدینگی و تأمین فرصت شغلی، به مرور زمان این افرادی را که به عنوان کولبر فعالیت می‌کنند، جذب محیط کاری جدید می‌کنیم که ممکن است یکی از مصداق‌های آن شهرک‌های صنعتی در ایلام، کردستان و کرمانشاه باشد و این طرح در یک بازه زمانی سه ساله و پنج ساله موضوع کولبری را ان‌شاءالله مرتفع می‌کند.

**روش حل مسئله در مورد سوخت‌برها چگونه‌است؟**

این مسئله جزئیاتی دارد که شاید نیازمند

## استقلیت اجتماعی

حسین سروقامت

۷۳۶

نهج‌الابلاغه تابلوی بی‌نظیری است که «انسان» را به شگرف‌ترین وجه معرفی می‌کند!

درخشش‌های او، بالندگی‌های او و سرانجام تنگناهای او.

... در میان تنگناها فقر غوغا می‌کند. تار و پود آدمی را از هم گسیخته، همه چیز او را به باد می‌دهد.

امیرالبیان به فرزندانش محمد حنیفه می‌گوید من از ناداری بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر. فقر موجب نقصان دین، پریشانی عقل و تحقیر مردم است!

فقر از دین می‌کاهد، چون روح را عاصی و سرکش می‌کند. دهشت عقل را می‌افزاید، چون از مدار تعادل و توازن خارج می‌شود. سرزنش مردم را برمی‌انگیزد، چون عزت آدمی را هدف می‌گیرد.

**دولتمردان! اگر از جامعه فقرز دایی نکنید، با مردمانی طرف هستمید که یا بر افراد، پناه، یا تفریط!**

... و از چنین مردمانی هر چه بگوییم، برمی‌آید!

## گزارش

زهرا اجیدری



### نبض بحران دارو

### در دست شرکت‌های تولید و پخش

ریشه‌های بحران دارویی اخیر را شاید باید بیشتر از هر چیزی در عملکرد شرکت‌های تولید و پخش دارو جست‌وجو کرد. شرکت‌هایی با احتکار دارو و مواد اولیه و توقف تولید تلاش کردند قیمت دارو را بالا ببرند و سود و منافع خود را تضمین کنند.

از سوی دیگر شرکت‌های پخش دارو هم به‌واسطه‌استفاده از شرایط موجود در بحران کمیاب و حتی نایاب‌شدن داروهایی همچون سرم یا آنتی‌بیوتیک‌ها از این آب گل آلود برای خودشان ماهی گرفتند و به شرطی به داروخانه‌ها سرم و آنتی‌بیوتیک می‌فروختند که داروهای دیگری را که روی دستشان باذ کرده هم به آنها بفروشند. درست شبیه همان کاری که سوپرمارکتی‌ها هنگام کمبود یا نایاب شدن روغن یا شکر و کالاهای از این دست انجام می‌دهند و فروش این کالاها را به خرید کالاهایی همچون رب، تن ماهی و کالاهای وابسته به آن‌گان‌های خریدند. مشروط می‌کنند، با این تفاوت که اینجا پای سلامت و حتی گاهی مرگ و زندگی افراد در میان است و این فروش سبسی یا مشروط دارو می‌تواند برای نظام سلامت جالبش برانگیز باشد. جالب اینجاست که بیش از ۶۰ درصد دارو کشور ما توسط شرکت‌های وابسته به می‌توانید امتیاز آن را ندارم. الان همه مردم بیش از دوسوم داروی کشور توسط شرکت‌های پخش همین بخش توزیع می‌شود و ۴۰ درصد داروی کشور از نظر ارزش، در ۵۰ داروخانه کشور توزیع می‌شود که عمده این داروخانه‌ها هم دولتی هستند.

حالا رئیس سازمان غذا و دارو برای مدیریت بازار دارویی کشور، در ابلاغیه‌ای به تمامی شرکت‌های پخش دارو تأکید کرده‌است، فروش دارو با استفاده از روش‌های غیرمعارف از قبیل ایجاد سبب دارویی (فروش داروهای سهمیه‌ای و خاص در قبال خرید سایر داروها) و با روش‌هایی که منجر به ایجاد هر نوع تبعیض بین داروخانه‌ها در زمینه دریافت داروهای مورد نیاز آنها شود، ممنوع است. در متن این ابلاغیه آمده‌است: «توجه به گزارش‌های دریافتی از معاونت غذا و دارو دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور و برخی نهادهای نظارتی مبنی بر سبب‌فروشی، نقدفروشی و سرفروش دارو توسط برخی شرکت‌های پخش، به اطلاع می‌رساند مستند به ماده ۲۹ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی و بند ۴ ماده ۸ پین‌نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌های پخش فرآورده‌های سلامت‌محور که اشعار می‌دارد: «فروش دارو با استفاده از روش‌های غیرمعارف از قبیل ایجاد سبب دارویی (فروش داروهای سهمیه‌ای و خاص در قبال خرید سایر داروها) یا روش‌هایی که منجر به ایجاد هر نوع تبعیض بین داروخانه‌ها در زمینه دریافت داروهای مورد نیاز آنها شود، ممنوع است» و عطف به بند ۶ ماده ۹ پین‌نامه مذکور، از آنجا که توقف فروش و عدم توزیع موجودی دارو به عنوان کالای استراتژیک و مایحتاج عمومی به رغم وجود مجوزهای لازم تخلف محسوب می‌شود و موجب اختلال در زنجیره تأمین دارو می‌گردد، به اطلاع می‌رساند در صورت مشاهده یا دریافت گزارش مستند مبنی بر هرگونه تخلف در خصوص موارد فوق، مراتب از طریق مراجع قضایی پیگیری و اقدام قانونی لازم صورت خواهد گرفت.»

بدیهی‌است اگر این تدبیر زودتر از این و بانخستین گزارش تخلفاتی از این قبیل صورت می‌گرفت، بحران دارویی در کشور به جایی نمی‌رسید که برای تأمین داروهای ساده‌ای همچون آنتی‌بیوتیک‌ها دست به دامن واردات شومیب یا مردم برای پیدا کردن یک شربت استامینوفن یا سرم‌آخوردگی سر درگم شوند. حلقه مفقوده چنین پدیده‌هایی نظارت و برخورد با متخلفان است که موجب می‌شود شرکت‌های داروسازی نیز بازار دارویی کشور را در دست بگیرند و آن را روی انگشت بیچرخانند. این اقدام سازمان غذا و دارو اما شایسته تقدیر است به شرطی که با عمل همراه نباشد و شرکت‌های پخش حسن‌کنند نمی‌توانند از اجرای قانون شانه خالی کنند، حتی اگر خودشان عضوی از بنده دولت باشند!

## یادداشت



■ **شهرنود** – تهران: بعد از احتکار آنتی‌بیوتیک در داروخانه‌ها برای گران کردن، بعد از ورود دولت برای حل این مشکل و واردات مواد اولیه، داروخانه‌ها در یک اقدام هماهنگ داروهای آنتی‌بیوتیکی را چندین برابر قیمت به مردم می‌فروشند، به طور مثال یک ورق آموکسی‌سیلین ۵۰۰ در داروخانه‌ها ۲۴ هزار تومان فروخته می‌شود. وزارت بهداشت هم مواد اولیه را وارد و هم گرانی را به مردم تحمیل کرد، دقیقاً همان چیزی که تولیدکنندگان و داروخانه‌ها مدنظرشان بود، اتفاق افتاد. این وسط مردم مانند ما گرانی‌های دارو که مثل برخی اقلام دیگر در بازار رکورد گرانی‌شان شکسته شد. این مشکل فقط در سومدیریت هست. در این شرایط که مردم در مضیقه هستند گرانی دارو مشکلات زیادی را برای مردم و خانواده‌هایی که بیمارانشان دائم در حال مصرف دارو هستند، به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.



روزنامه جوان | شماره ۶۶۴۰



کالا رانداریم؟

**مثلاً کدام کالا؟**

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار واردات رسمی آن در ابتدای امسال بوده براساس ارزش، رشد ۷۱ درصدی نسبت به سال گذشته‌است. این یک کالا یا ۱۶۲ میلیارد و ۱۶۲ میلیون دلار برای مردم و حاکمیت مهم‌تر است یا ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی؟ من می‌گویم ذرت، گندم یا دانه‌های روغنی باقوت مردم کار دارد، ولی واردات رسمی تلفن همراه با اینکه شاید ارز ۴ هزار و ۲۰۰ میلیاردی داشته‌است، حالا این را در کنار آن ۰/۵ درصد انرژی‌گذاری کجا باید ببینیم.

مثل تلفن همراه، الان دیگر موضوع قاچاق تلفن همراه موضوعیت ندارد، حالا کنار این واقعیت من حرف رسمی سخنگوی گمرک آقای لطیفی را عرض می‌کنم که گفتند گوشی همراه ۴ میلیارد ۱۶۲ میلیون دلار وارد